

ضیافت نامه عزیز

مختب اشعار

عزیز الله خرمداستانی
مختص به «عزیز»

انتشارات مادنقش
تهران

سرشناسیه	: فرمند آشتیانی، عزیزاله، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: ضیافت‌نامه عزیز/ منتخب اشعار عزیزاله فرمند آشتیانی منخلص به عزیز.
مشخصات نشر	: تهران : ماد نقش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۴ ص.: مصور(بخشی رنگی): ۲۱/۵×۱۴/۵ سم.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۲-۸۷۸-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
موضوع	: شعر مذهبی فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Religious poetry, Persian -- 20th century
ه بندی کنگره	: ۱۳۹۵/۹۸/۸۱۳۵۶ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۹۱/۶۳
شماره کتابخانه ملی	: ۴۲۲۲۲۸۵

ناشر: ماد نقش

۰۹۰۲۱۲۵۰۰۰۰ (۲۱) ۸۸۳۲۱۴۹۹

۰۹۳۲۱۲۵۵۵۱۰۰۰۰ ۱۲۱۲۵۵۵۷۵

۳۵۰۰۰۸۸۷۵۰۰۰۰ ۰۹۰۰۱۲۵۵۵۷۵

mad_publish@yahoo.com

مؤلف : عزیزاله فرمند آشتیانی

ناشر : ماد نقش

تنظیم و صفحه آرایی : مادنقش ۸۸۳۲۱۴۹۹

طراح جلد : مهدی محمد ۰۹۳۷۳۴۸۵۱۷۳

لیتوگرافی : بهزاد گرافیک ۶۶۷۰۸۳۵۷

چاپ و صحافی : دلتا ۷۷۳۵۶۴۳۹

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۵

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۲-۸۷۸-۶

قیمت : ۱۲۰۰۰ تومان

مندرجات

- ۱۶ ریسرچ
- بخش اول، غزلیات
- ۲۱ مناجات تو را نزل به ابد جاودانه ام، هستی
- ۲۳ عشق و محمد عن کار دل است می دانم
- ۲۵ یا علی حکاک شکسته به سوز و شوق
- ۲۶ یا علی روی تو هست نور ماوارت «یا علی»
- ۳۱ علی، زمین شب راز «علی»، را «فاطمه»، در پی دارد
- ۳۴ مفهوم عطش یا حسین بر عشق تو دل بتلا دارد عزیز
- ۳۷ حسین جان از یادم نرفته خوشم در زندگانی خط ای یاد خدا یادم نرفته
- ۳۹ زینب شکر ایزد شاعرم، شرم شای زینب است
- ۴۰ ابر بعین دل بنخواه ز من صفا آقا

- غرای عاشقانه به روی نیزه خواجهر بخت دیدن ۴۵
- جامه سیاه دارد کویر چهره ام از خون دل نمی ۴۶
- ماه آسمانی شادم که بجز خیال تو بهم نداشتم ۴۷
- سحر کوی نفی شکر ایزد یار من در حرمان آید ییلا ۴۹
- شفاعت در حرم کبوتران حرم در حرم به پروازند ۵۰
- شرح ماجرا قلم شری از جبرای تو دارد ۵۲
- هر صبح و شب سلام با وادش است راه اما قسم ۵۶
- روح خدا در ملکوت ز من جبر استامیدم دادند ۵۷
- آزاده می آید بباخیزای وطن برای تو افتای آید ۶۰
- رنج زیبای تو را دیدم و فریاد زوم و قمر شتر تو را خواندم و زور بر کردم ۶۲
- حسرت رویایی حرشام و سر بهم تنیای خویشم ۶۴
- من طفل دبستانم بایاد تو در گوشه کاشان خویشم ۶۶
- همت مضاعف کار مضاعف برگ سبزی من اگر هدیه رهبر بکنم ۶۹
- شرح حال بهر حیوانم خوشم محبوب بستم ۷۰
- کیستم من ؟ خوریان در دل شب ساغر شکرانه زود ۷۳
- پیش دستی بر سلام بیاعیز ز دلم تا به هم سلام دیدم ۷۶

- صدای دل برای نوکل خود خند لب هر چنم ۷۸
- حافظا جلوه گر کرد بهاران طبع خود موزون کنم ۸۰
- پیام برای بود و نبودم پیام بگذارید ۸۲
- می جوئیده در خم جان برکنم و در پی جانم ای دوست ۸۴
- دور و فنی من هست بیا بر تو زیبا غلی خواهم ساخت ۸۶
- پیر را آمد سفر را می شدم که از سر کوش گذر کنم ۹۰
- لذت دیدار استاد ساختم هر زمی کند ناب است امروز ۹۲
- ارادت بی بشر که خاک ره زیر پایتان، هستم ۹۴
- دریابی دریا انیم و ترزا کسی را مانند ایم ۹۶
- در طلب رسوایی عاشق شدم که دابشوم ۹۸
- خنده یار اشک غم با سوز دل در دهنم بشته ۱۰۰
- خوشباه حال عزیز نفس نس ز غم باشد از هوای ۱۰۲
- دانه گندم به سان دانه گندم نجیب بوده و هستم ۱۰۴
- باغ تماثیلی عشق دلدار شده باعث ثیابی من ۱۰۸
- نازنین محرم اهل نیازی نازنین ۱۱۰
- عمریست نیستانم در سیکه است ای دوست پیوسته خرابم من ۱۱۲

- تک درخت ۱۱۴ بسان تک در ختم هر خود هم عالمی دارم
- حاشق ازلی ۱۱۶ دلم ز خال لبش بود از ازل خواهد
- شکرانه مدیه یار ۱۱۸ بنشته ای و ساز مرا گوش می کنی
- ۱۲۲ ببار آمده باطلت بسایونی
- حلقه بر کدو ۱۲۳ لطف حق دیدم و در چاه گرفتار شدم
- سند عاشقی ۱۲۵ باد و شوق کشته عین زندگانیم
- خنده های کنکین ۱۲۶ قدس عشق چو برتیش فرهاد آمد
- باغ حبیب ۱۲۷ بجز نیشین از هم سزای داشتیم
- ارادت ۱۲۸ ساز بستم در پی ساقی دوا بود
- حال انتظار ۱۳۰ مه نویدم و دایم به تو پیام بیاید
- جستجو ۱۳۲ تاز دایم غم ز دل نماند کردم جستجو
- زیارت دل غم دیدگان ۱۳۴ فدای آن که مراست قبله گاه نیاز
- یاد استاد ۱۳۶ حرکت رفت از بر تو باز پیمان آمد
- مدار عشق ۱۳۸ کی می شود بزم طرب و عوتم کنی
- راهی ۱۴۰ آلوده ام که در پی آرام جان روم
- سفر عشق ۱۴۲ راهی شدم که از سر کوشش گذر کنم

۱۴۳	دل دیوانه من عاشق لیلاست تو کوئی	دل من
۱۴۶	از ازل تا به اهل وفايي مادر	مادر
۱۴۸	روحي اندر بدنم بودني دانستم	رویای مادرانه
۱۵۰	چشم طبع شرمین چکبک پرانی می کند	خواهر، جواهر
۱۵۲	برای من ز پدر مهربان محویم بود	عمو
۱۵۳	برای بدرقعات حمله به کویت بود	بدیه عمه
۱۵۶	و ضعی که هست بین من و تو عیب نیست	سؤال
۱۶۰	خدا، خردم بدیه غزالانم را	زینت فقر
۱۶۳	خوشامق من عمری بی مثنی دیدن	رویاهای عاشقانه
۱۶۴	من که از نیستی به جهان آزادم	خراب آبادی
۱۶۶	سکوه شعله شمی به شب پروای دان	کنج نهنان
۱۶۷	نازم وجود ناز تو را در تمام عمر	نکین من
۱۶۸	از لطف حق سر به ره دین نهاده ام	مژده بهار
۱۷۰	ساقی بیا که جام دبی برنمایم	دشت لاله
۱۷۲	بر لبانت ذکر یا بوی تو را بوسیده ام	نواز شکر دلبها
۱۷۴	بر تو باد از من مست درود ای ساقی	ای ساقی

- غنائی فقر از لطف حق در دل مایه او که هست ۱۷۶
- ستر غیب نامم حسن زاده ز نسل بهم برم ۱۷۷
- لطف بیکران شادم که بر یاد سخن از صفا زدم ۱۷۸
- ای پیرم فروش با قمر و ناز و لبر خود در کشاکش ۱۸۰
- مبارک باد قامت خمیده و دوره پیری ز ره رسید ۱۸۱
- ای عشق زنجیر زده کردن من یکیشی ای عشق ۱۸۲
- عاشقانه این کاری نباید از دستم ۱۸۴
- دوران عاشقی عاشق از سخن هسته دوران نمی شود ۱۸۵
- دلکنگی با من به عهد خویش و در مشکلی نهان ۱۸۶
- صیاد و اثره ما بهم شدی بر شب تنهایی من ۱۸۸
- لطف بی نهایت بهشتاد سال رفت ز عمرم چه رفتی ۱۸۹
- قطره های باران گویم و به دلم ابرهای نیسانی ۱۹۰
- مرا دریاب، دریاب چون شمع لرزانم مرا دریاب، دریاب ۱۹۳
- مرهم زخم جگر سوز مرهم مرا مونس و بهدی ای یار ۱۹۴
- در لطافت آب بودی کنار من چو دریای پاک و ناب ۱۹۶
- در نهایت بیک دل کرد و صد دلداری ۱۹۸

شیراز شرمناختی شهر شرمناختی را ده چه موزون ساختند ۲۰۰

طائر پناه جو هر زمانه نم تو را آن دم سلامت می کنم ۲۰۴

متنا نم شیدا و رسوای محبت ۲۰۶

بخش دوم قطعات و رباعیات

قطعه از پدر محسبان تر ندیدم ۲۱۱

قطعه بلی است به گزار من گل پرور ۲۱۲

قطعه نمی نگویند بان سنگ خارا ۲۱۳

رباعیات ۲۱۴

روز مادر، سال مادر زه زهر حیات بزوان جمال مادر است ۲۱۶

شاعیت در کعبه سینه است عفا شده است ۲۱۷

بخش سوم اشعار سپید

اعجاز قرن من آن مرد را دیده بودم ۲۲۱

عنکبوت ای عنکبوت ناز که با طرح بندی ۲۲۶

سلام من به سرزمین وحی سلام من به سرزمین وحی ۲۲۹

روایای عاشورایی ای درون سینه من شید می کشد ۲۳۰

در جستجوی مفهوم عشق گل های باغ خانه ما را ندیده ای ۲۳۴

زمین	۲۵۱
شب خوش	۲۵۴
اقرار	۲۵۶
برکتگاه	۲۵۸
شب تولد	۲۶۰
سلام باید داد	۲۶۸
جاده نورانی	۲۷۳
مصومیت	۲۷۷
ضیافت	۲۸۰
بدیان	۲۸۵
شیران	۲۹۴
وصال شاعرانه	۲۹۶
دوست دارم چون دوستم داری	۲۹۹

دباجه

تی سخن از عشق و دلدادگی در میان باشد قوانین عوض می شوند. انکار دیگر این دستان
تو نیست که روی ماه می خزنز انکار رقص و اثره مارا ضرب دیگر می می چرخاند.
اصلاً از خزان می غیب چنان به تنی بخشنا که حس نمی کنی در این وادی غریبه ای و این
کلام همان کلام موزون شعراست بخصوص که این شعر با شعر آیینی باشد.
سرزمینی که پادشاهش مولای عشق و اولیانش اسیران دمسق از بهار با که هر سلامی
« وقت جواب، مضرب از هشت می شود! » ذهن به هر سو پرمی کشد و راه زلفه ایی
رامی طلبد.

در این میان فردی که سالهای سال نام مولایش امیر مؤمنان را بر لب دارد و
قلبش آکنده از محبت سید شمس‌الدین دو عالم و نگاهش غم‌سار شاف قمر بنی هاشم
است، نظم خطوط کاغذ را بر هم می‌زند و از نوطا و ثلثات ذهنی خود که مطبق بر
واقعیت و روایتی حدیث گونه از زندگی آمده است را در صفحه جایگزین می‌نماید.

استاد عزیز آله فرزند آشنایی و استیلا بر قریب به هفتاد و چهار سال سن، عمر پر برکت خود را
صرف نگارش شعرهایی نموده است که لواه و دوق نروان ایشان به ادبیات فارسی و نگاه
عاشقانه او به فرمانروایان مذهب تشیع است. و سرش در آن زلال و دارایی حلاوتی
است که خواننده و شنونده را به ادب در محضرات قرار می‌دهد و کوی شایسته را به او افزوده
می‌گردد در کار شعر و شاعری بیشتر احساس شادابی و جوانی می‌کند.

مجموعه حاضر «ضیافت نامه عزیز» گویای دلنوشته های وی و نشانگر ارادت صادقانه

او به ساحت مقدس انبیاء و اولیاء است. و برای رسیدن به این هدف مقدس

در مکتب و محضر اساتیدی چون استاد حافظ و استاد شهریار درس معرفت اندوخته و به سره

بیار برده است.

امید است این منظومه که بدو می ارزیده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است،

منفید عرصه ی شعر و شاعری و بخصوص ادب آیینی این مملکت و بوم قرار گیرد.

محسن عظیمی شاعر

استاد دانشگاه و کارشناس ارشد ادبیات فارسی